

اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی متناظر با مبانی فلسفی سازگار با آموزه‌های دینی اسلام
و دلالت‌های آن در عرصه عناصر برنامه درسی

Social Studies Curriculum Goals Corresponding To the Philosophical Foundations Compatible With Islam And Its Implications For Curriculum Elements

تاریخ دریافت مقاله: ۰۷/۰۳/۹۲؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۲۰/۰۴/۹۳

S. Keshavarz (Ph.D)
Kh. Bagheri (Ph.D)

سوسن کشاورز^۱
خسرو باقری^۲

Abstract: Most of the studies that have been done at the international level in the field of social sciences have been based on the principles of western philosophy and attitude to person and human phenomena. Using of these achievements have caused some conflict in the national curriculum of Iran. Therefore, in this article the curriculum goals of social sciences which are compatible with philosophical foundations of Islam and with the fundamental approach to evolutionary traditionalism and structural realism have been discussed. Then, correspond to the mentioned purposes, the content of training, ethics of teaching, ethics of learning and evaluation in the social science curriculum were defined.

Keywords: social studies curriculum, goals, religious teachings of Islam.

چکیده: اکثر مطالعاتی که در حوزه علوم اجتماعی در سطح جهانی صورت گرفته مبتنی بر مبانی فلسفی غربی و نوع نگرش آنان به انسان و پدیده‌های انسانی بوده است. بهره‌گیری از این دستاوردها، بعضاً مغایرت‌های اساسی ارزشی را در نظام برنامه درسی کشور ایجاد نموده است. لذا، این مقاله بر آن است با نظر به مبانی فلسفی سازگار با آموزه‌های دینی اسلام و با نظر به رویکرد اساسی سنت‌گرایی تحولی و واقع‌گرایی سازه‌گرایانه به طرح اهداف مرتبط با برنامه درسی مطالعات اجتماعی بپردازد. سپس متناظر با اهداف مذکور، به تبیین اصول مربوط به محتوی، آموزش، اخلاق تدریس، یادگیری و ارزشیابی در برنامه درسی علوم اجتماعی اقدام کند.

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی مطالعات اجتماعی، اهداف، آموزه‌های دینی اسلام.

مقدمه

فکر فلسفی در عرصه علوم اجتماعی با پیروی از علوم طبیعی آغاز گردید و علت آن هم پیروزی و موفقیت‌هایی بود که در این علوم حاصل شده بود، یعنی دانشمندان در حوزه علوم اجتماعی به مانند علوم طبیعی، به دنبال آن بودند که با استفاده از روش استقرائی، به قوانین منظم، ریاضی گونه و پیش‌بینی کننده در عرصه فرد و جمع دست یابند و بدین ترتیب بود که علم الاجتماع تجربی ایجاد گردید که جامعه را در حکم پاره‌ای از طبیعت نگریست و از بیرون به حوادث نگاه کرد و تماشاگرانه به کاوش پرداخت و به جای معنا کاوی، علت کاوی کرد و انسان‌ها را همچون اجرامی فیزیکی دید که تحت تأثیر قوای غضبیه و شهویه خویش حرکت می‌کنند. اما به مرور زمان، با گسترش بینش و وسعت دید افراد، سؤالات اساسی‌ای در این عرصه مطرح گردید که راه را برای طرح دیدگاه‌های نظری جدید فراهم ساخت و زمینه تحولی عمیق در موضوعات مورد بررسی و روش‌های آموزشی و پژوهشی فراهم ساخت.

این نوشتار، به دنبال آن است که مبتنی بر مبانی فلسفی سازگار با آموزه‌های دینی اسلام و با نظر به رویکرد اساسی سنت‌گرایی تحولی و واقع‌گرایی سازه‌گرایانه به طرح اهداف مرتبط با برنامه درسی مطالعات اجتماعی بپردازد. سپس متناظر با اهداف مطرح شده؛ اصول مربوط به محتوی، آموزش، اخلاق تدریس، یادگیری و ارزشیابی را در برنامه درسی علوم اجتماعی با توجه به ارزیابی وضعیت کتاب‌های درسی علوم اجتماعی مورد استفاده در نظام برنامه درسی کشور در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ مورد تبیین قرار دهد.

روش‌شناسی مقاله

در بخش نظری، برای تعیین مبانی فلسفی تربیت اجتماعی، متن پژوهش انجام پذیرفته به سفارش سازمان پژوهش و نوآوری‌های آموزشی وزارت آموزش و پرورش تحت عنوان پژوهشی برای دستیابی به فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران و محورهای فلسفی مورد بحث ذیل مبانی انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی مورد مطالعه قرار گرفته سپس با نظر به اهداف واسطی تعلیم و تربیت استنتاج گردیده از این مبانی؛ اهداف فلسفی مربوط به درس مطالعات اجتماعی مشخص شده است، سپس اصول مربوط به محتوا، یادگیری، آموزش و ارزشیابی با تکیه بر دو رویکرد اساسی یعنی سنت‌گرایی تحولی و واقع‌گرایی سازه‌گرایانه

اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی متناظر با...

مربوط به این درس معین شده است. در بخش میدانی؛ متن کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی چهارم، پنجم، اول راهنمایی، دوم راهنمایی، سوم راهنمایی و جامعه‌شناسی سال دوم و سوم متوسطه و علوم اجتماعی پیش دانشگاهی مربوط به سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، مبتنی بر اهداف و اصول مورد نظر با روش تحلیل محتوای کیفی صفحه به صفحه بررسی و هم‌راستایی‌ها و ناهم‌راستایی‌ها تبیین شده است.

اهداف درس علوم اجتماعی مبتنی بر مبانی فلسفی سازگار با آموزه‌های دینی اسلام

- اندیشه ورزی و کسب بینش و دانش در مورد پدیده‌های انسانی.
- افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی در جهت بسط غنا، عفت و عدالت/ رأفت.
- به علاوه، برخی از اهداف واسطی دیگر نیز به طور ضمنی در درس علوم اجتماعی باید تحقق یابند که از جمله می‌توان به دو مورد زیر اشاره کرد:
 - تدبیر اخلاقی در مورد تمایلات درونی؛
 - اعتلای دریافت زیباشناختی به‌ویژه در برقراری رابطه میان زیبایی و خیر؛
- در ادامه، به توضیح مبسوط‌تر اهداف درس علوم اجتماعی بر حسب دو هدف نخست خواهیم پرداخت و بکارگیری دو هدف دیگر در این درس، در ضمن مباحث مورد توجه قرار خواهد گرفت.

اندیشه ورزی و کسب بینش و دانش نسبت به پدیده‌های انسانی

اندیشه‌ورزی در خصوص پدیده‌های انسانی در درس علوم اجتماعی در گرو دستیابی به یکسری از عوامل بینشی و دانشی می‌باشد که در این نوشتار مورد اشاره قرار می‌گیرد:

قلمرو بینشی

در اندیشه اسلامی، بینش معینی در مورد جامعه بشری وجود دارد. زوایای مختلف این بینش، به شرح زیر است:

الف- بنیاد جامعه بر همبستگی استوار است: دو گونه همبستگی اجتماعی در اندیشه اسلامی مطرح شده است. نخست، همبستگی فراگیری است که می‌توان آن را همبستگی انسانی نامید. بر این اساس، همه افراد جامعه، از حیث این که انسانند، مشابه یکدیگرند و این هماوایی بنیادی

جامعه را شکل می‌دهد. نوع دوم همبستگی، ایمانی و اعتقادی است. بر این اساس، افرادی که به خدا ایمان دارند، رابطه عمیق اخوت میان آن‌ها برقرار است. این نکته در سخن حضرت امیر (ع) به مالک اشتر آشکار است که به وی می‌گوید مردم مصر که تو بر آن‌ها فرمانروایی خواهی کرد، یا برادر دینی تواند و همبستگی و همسانی ایمانی با تو دارند، یا نظیر تو مخلوق خدایند و در انسانیت با تو همبستگی و همسانی دارند. به این نکته باید توجه داشت که این سخن، در مقام توصیف است نه در مقام تجویز و توصیه؛ به عبارت دیگر، سخن این است که افراد دیگر، با تو مشابه‌اند؛ خواه در انسانیت و خواه در ایمان. این مشابهت، پیشاپیش همبستگی را رقم زده است. اگر هم توصیه‌ای در خصوص این همبستگی مطرح شود، فرع بر وضع توصیفی مذکور است مبنی بر این که نباید همبستگی پیشین بنیاد مذکور را به هم زد.

ب- اختلاف در دامنه همبستگی، تحکیم کننده همبستگی است: نباید از ویژگی نخست، به این نتیجه راه یافت که هرگونه اختلاف نظری را مطرود و خلاف همبستگی دانست. در واقع، دو گونه اختلاف می‌تواند وجود داشته باشد: اختلاف شکننده همبستگی و اختلاف تحکیم کننده همبستگی. گونه نخست اختلاف، فصل مشترکی را مفروض نمی‌گیرد بلکه در پی آن است که هرگونه فصل مشترکی را از میان بردارد. چنین اختلافی به انفصال و گسست اجتماعی منجر می‌شود و از همین جهت، حیات اجتماعی را تهدید می‌کند و درست به همین دلیل است که مذموم شمرده شده است. در جایی که قرآن، اهل اختلاف را به دور از رحمت خدا معرفی می‌کند، به چنین اختلاف گسلنده‌های نظر دارد (ولا یزالون مختلفین الا من رحم ربک و لذلک خلقهم. هود: ۱۱۳). در گونه دوم اختلاف، فصل مشترکی میان طرفین مفروض است و محترم شمرده می‌شود. چنین اختلافی نه تنها ناقض همبستگی نیست بلکه تحکیم کننده آن است زیرا وجوه مغفول مانده برای هر فرد یا گروه را به نحو متقابل آشکار می‌سازد و بسط این آگاهی، همبستگی را ژرف تر می‌سازد. در وضع اولیه، افراد یا گروه‌ها، با سوگیری‌هایی که دارند، خود را می‌بینند و از دیدن برخی واقعیت‌های اجتماعی محرومند. اختلاف نظر و نقد و انتقاد متقابل، چنین نقطه‌های کوری را می‌یابد و آشکار می‌سازد و پس از آن، بصیرت فراگیرتری فراهم می‌آید. تأکید بر نقد و سنجش سخنان دیگران، حاکی از گرانقدر دانستن این‌گونه از اختلاف است، چنان که در حدیثی آمده است که ناقد سخن باشید (کونوا نقاد الکلام).

اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی متناظر با...

ج- **تعامل پویای فرد و جامعه:** در اندیشه اسلامی، تأکید محض بر روی فرد نیست به گونه‌ای که از هر محدودیت اجتماعی به دور باشد و بتواند فراتر از این گونه محدودیت‌ها تعیین کننده وضع و حرکت آینده جامعه باشد. از سوی دیگر، فرد به دلیل دارا بودن فطرت، کرامت و حریت، مقهور جامعه نیز نیست. در این میان، تنها رابط‌های که می‌تواند قابل تصور باشد، رابطه متقابل تأثیرگذاری و تعامل پویای فرد و جامعه است.

د- **اکثریت نگری حق گرایانه:** در جامعه اسلامی تبعیت از حق مطرح است نه لزوماً نظر اکثریت، بنابراین اگر نظر اکثریت در رابطه طولی با حق باشد، محترم است. چنانکه امام‌علی (ع) می‌فرماید: اطاعت مخلوق در معصیت خالق روا نیست (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۵۰). در خصوص نظر اکثریت، اگر از موضع هدایتگری خداوند بخواهیم به موضوع بنگریم باید گفت از آنجائی که خداوند در مقام هدایت انسان‌ها می‌باشد و از سوی دیگر، انسان‌ها شاهد ارسال رسل در تمام زمان‌ها نبوده‌اند؛ می‌توان چنین نتیجه گرفت که چند قضیه ذیل در اندیشه اسلامی صادق محسوب می‌شوند:

الف) چنین نیست که اکثر انسان‌ها همیشه حق بگویند. آیاتی از قرآن که نظر اکثریت را تخطئه کرده، قرین‌های بر این سخن است (مانند: ...بل اکثرهم لایعقلون. عنکبوت: ۶۳).

ب) چنین نیست که اکثر انسان‌ها همیشه اشتباه بکنند. آیاتی از قرآن که به حرکت اکثری و توده‌ای مردم صحه گذاشته، قرین‌های بر این سخن است (مانند: اذا جاء نصر الله و الفتح و رایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا. نصر: ۱-۲)

ج) اکثر انسان‌ها در اکثر اوقات راه را درست می‌روند. از همین رو است که در سخن حضرت امیر (ع) آمده است که با اکثریت همراه باشید زیرا دست خدا بر سر جماعت است (و الزموا السواد الاعظم فان یدالله علی الجماعه) (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷)

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در دیدگاه اسلامی، اکثر انسان‌ها در بیشتر مواقع درست عمل می‌کنند. این قاعده در مورد اکثریت جامعه خواص و دانشمندان نیز صادق است، چنانکه اجماع به‌عنوان یک منبع فقهی شیعی می‌تواند مؤید این نکته باشد.

حیات اجتماعی در گرو غنا، عفت، و عدالت/ رأفت است. مفهوم حیات پاک (حیات طیبه) در بعد اجتماعی آن، متضمن آن است که پلیدی فقر، شهوت پرستی، ظلم/تعدی از بستر روابط

اجتماعی حذف شود. به عبارت دیگر، هنگامی جامعه انسانی زنده و پویا خواهد بود که در آن، غنا، عفت، عدالت/رافت فراهم شده باشد.

قلمرو دانشی

کسب دانش اجتماعی، به منزله بخش دیگری از هدف آموختن علوم اجتماعی، متضمن جنبه‌های زیر است:

الف) شنایی با واقعیت‌های اجتماعی: یک بخش اجتناب ناپذیر از کسب دانش اجتماعی، این است که فرد با واقعیت‌های اجتماعی آشنا شود. این واقعیت‌ها به منزله داده‌هایی است که بدون آن‌ها نمی‌توان از دانش اجتماعی سخن گفت. بنابراین، آگاهی از مسائل و مشکلات موجود اجتماعی در ابعاد مختلف در سطح ملی و بین‌المللی و آشنایی با حقوق مدنی و مسئولیت‌های شهروندی، از جمله آشنایی‌های لازم با واقعیت‌های اجتماعی است.

ب) اطلاع از تفسیرهای مختلف در مورد واقعیت‌های اجتماعی: واقعیت‌های اجتماعی از ویژگی تفسیرپذیری بالایی برخوردارند. از این رو، تفسیرها و تبیین‌های مختلفی از آن‌ها صورت می‌گیرد. برای کسب دانش در مورد واقعیت‌های اجتماعی، باید به بعد تفسیری آن‌ها وارد شد و این در تبیین‌های مختلفی که دیدگاه‌های مختلف از واقعیت‌ها فراهم می‌آورند جلوه‌گر می‌شود. از این رو، فرد باید با تفسیرهای مختلف آشنایی حاصل کند.

ج) توانایی داوری در مورد تبیین‌های مختلف بر اساس شواهد اجتماعی: همه تفسیرها از قوت یکسانی برخوردار نیستند زیرا شواهد اجتماعی، آن‌ها را به نحو یکسان پشتیبانی نمی‌کند. فرد باید به این توانایی دست یابد که با توجه به شواهد مربوط، به داوری در مورد تفسیرهای مختلف بپردازد.

د) توانایی همدلی کردن با افراد یا گروه‌های اجتماعی: از آنجا که واقعیت‌های اجتماعی، برخلاف واقعیت‌های فیزیکی، از جنس خود پژوهشگر این واقعیت‌هاست، بنابراین، بخشی از کسب دانش در مورد این واقعیت‌ها در گرو یافتن توانایی همدلی کردن با افراد یا گروه‌های

اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی متناظر با...

دیگر است. به عبارت دیگر، اتخاذ منظر عامل، به جای منظر ناظر، از شرط‌های لازم کسب دانش اجتماعی است.

و) توانایی ارزیابی سنت‌های اجتماعی و تعیین نقاط قوت و ضعف آن‌ها: دانش اجتماعی با سنت‌های اجتماعی سروکار جدی دارد زیرا واقعیت‌های اجتماعی به سنت‌هایی در گذشته حیات جمعی افراد مبتنی است. ویژگی دیگر واقعیت‌های اجتماعی، برخلاف واقعیت‌های فیزیکی، این است که واقعیت‌های اجتماعی، ممکن است در حالت انحراف و انحطاط باشند. از این رو، شناخت واقعیت‌های اجتماعی، ناگزیر جنبه‌ای انتقادی دارد. بدون توانایی ارزیابی سنت‌های اجتماعی و تعیین نقاط قوت و ضعف آن‌ها نمی‌توان گفت که فرد به قابلیت برای کسب دانش اجتماعی رسیده است.

ه) توانایی مقایسه و تطبیق میان سنت‌های اجتماعی مختلف: به همان دلیل که واقعیت‌های اجتماعی ممکن است در حالت انحراف و انحطاط باشند، مقایسه و تطبیق سنت‌های اجتماعی مختلف، زمینه مناسبی برای ارزیابی انتقادی نسبت به سنت‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. از این رو، بخش مسلم دیگری از کسب دانش اجتماعی، توانایی مقایسه و تطبیق میان سنت‌های اجتماعی مختلف است. توانایی‌هایی که در بالا ذکر شد، متضمن آن است که فرد، از سوگیری‌های خود اطلاع حاصل کند و نسبت به آن‌ها خودآگاهی بیابد و از سوگیری‌های قابل اجتناب، اجتناب ورزد و با روش‌های تحقیق کیفی آشنایی حاصل کند.

افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی در جهت بسط غنا، عفت و عدالت / رأفت از آنجایی که یکی از ابعاد اساسی رشد انسان‌ها، بعد اجتماعی آنان می‌باشد؛ آموختن علوم اجتماعی باید به تحکیم و ارتقای این بعد کمک کند از این رو، یکی از اهداف مترتب بر علوم اجتماعی، افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی در افراد برای بسط غنا، عفت و عدالت / رأفت در جامعه است.

این هدف، متضمن موارد زیر است:

- گرایش مثبت نسبت به مطالعه پدیده‌های انسانی و احساس مسئولیت در قبال آن‌ها
- اعتماد به نفس و خودباوری در فرد

- دارا بودن مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، مانند توانایی انجام کار گروهی، احترام گذاردن نسبت به نظرات دیگران، انتقادپذیری، و تحمل دیگران.

قابل ذکر است که موضوع ارتقای بینش اجتماعی و تقویت صلاحیت‌های اجتماعی و امر تربیت اجتماعی دانش‌آموزان فقط در ذیل دروس عمومی مطالعات اجتماعی سال اول متوسطه، تعلیمات اجتماعی سه سال دوره راهنمایی تحصیلی و کتاب تعلیمات اجتماعی مقطع ابتدایی مورد نظر قرار گرفته است. از سال دوم متوسطه، درس جامعه‌شناسی به عنوان یکی از دروس اختصاصی رشته ادبیات و علوم انسانی مورد نظر بوده است و هدف از این درس کسب پایه علمی یا عملی مناسب برای ورود به بازار کار و اشتغال یا ادامه تحصیل در سطوح عالی‌تر در یک رشته یا گرایش خاص بیان گردیده است. (کتاب جامعه‌شناسی ۱ سال دوم آموزش متوسطه، ۱۳۸۵، مقدمه)

به نظر می‌آید موضوع توجه خاص به امر تربیت اجتماعی با توجه به اقتضات این گروه سنی و نزدیکی زمانی جهت ورود به عرصه جامعه و ایفای نقش‌های مختلف اجتماعی و برقراری ارتباطات در جامعه، ضرورت مضاعف پیدا می‌کند. اما این هدف در ارائه این درس از سطوح دوم دبیرستان به بعد مورد نظر قرار نگرفته است و هدف ایجاد آمادگی جهت ورود به بازار کار و اشتغال‌ورزی از اولویت برخوردار بوده است.

پس از مشخص شدن اهداف آموختن علوم اجتماعی، اکنون به بیان اصول مربوط به این درس خواهیم پرداخت که با نظر به مؤلفه‌های مختلف برنامه درسی مورد بحث قرار می‌گیرد.

اصول مربوط به محتوی

از آنجائی که دو موضوع محوری مورد توجه در محتوی درس علوم اجتماعی، فرد و جامعه می‌باشد، ابتدا اصول مورد نظر در ارتباط با فرد مورد نظر قرار خواهد گرفت، در ادامه به اصول مرتبط با جامعه اشاره خواهد شد.

الف) اصل حفظ و ارتقای کرامت آدمی: این اصل با نظر به هدف نخست (اندیشه ورزی و کسب بینش و دانش نسبت به پدیده‌های انسانی) و مبانی انسان‌شناختی نظیر فطرت، عقل، و اراده و اختیار به دست می‌آید. طبق دیدگاه قرآن کریم، آدمی دارای دو نوع کرامت ذاتی یا هستی

اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی متناظر با...

شناختی و کرامت اکتسابی یا ارزش شناختی می‌باشد. مقصود از کرامت ذاتی آن است که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده است که در مقایسه با برخی موجودات دیگر، از دارائی و غنای بیشتری برخوردار است. در واقع علت دستیابی آدمی به این نوع از کرامت، بهره‌مندی او از قوه تعقل، فطرت الهی و نیروی اراده و اختیار می‌باشد. مقصود از کرامت اکتسابی، دستیابی به کمال‌هایی است که انسان در پرتو ایمان و اعمال صالح اختیاری خود به دست می‌آورد، این نوع کرامت، برخاسته از تلاش آدمی بوده و معیار ارزش‌های انسانی و ملاک تقرب در پیشگاه خداوند است.

تحقق هدف اندیشه ورزی و کسب بینش و دانش نسبت به پدیده‌های انسانی، مستلزم آن است که در محتوای درس علوم اجتماعی، مطالبی گنجانده شود که دید دانش‌آموز را نسبت به انسان‌های دیگر، در سرتاسر دنیا، دیدی همراه با احترام به کرامت آن‌ها باشد. نتیجه این امر، در عرصه فردی برای دانش‌آموزان، پی بردن به ارزشمندی خود و تلاش در جهت حفظ این موقعیت و مقام و خدشه‌دار نکردن هویت انسانی خویش می‌باشد. در عرصه اجتماعی نیز توجه به این اصل، منتج به آن خواهد گردید که انسان‌ها در برقراری ارتباطات اجتماعی با دیگران و در هنگامی که در جامعه نقش آفرینی می‌کنند توجه به عزت و کرامت آحاد افراد چه در ارتباطات ملی و چه در ارتباطات بین‌المللی داشته باشند.

موضوع حفظ و ارتقای کرامت آدمی در هیچ یک از کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره‌های مختلف تحصیلی مورد اشاره قرار نگرفته است.

ب) اصل تبیین همبستگی اجتماعی: با نظر به هدف نخست (اندیشه ورزی و کسب بینش و دانش کسب به پدیده‌های انسانی) و مبنای انسان‌شناختی هویت جمعی آدمی می‌توان به این اصل نائل شد. چنان که گذشت، طبق اندیشه اسلامی، بنیاد نهائی روابط اجتماعی آدمی را باید در همبستگی اجتماعی جست که مفهوم اخوت یا برادری، حاکی از سطح ژرف آن است. (انما المؤمنون اخوة^۱). در واقع در اخوت، ارتباط اجتماعی در سطحی ژرف موردنظر می‌باشد و مفاهیم ضمنی الفت و دل‌بستگی؛ ارتباط میان منافع، یعنی برخورداری دیگری را برخورداری خود نیز دانستن، تزامم جانبی میان منافع، و اشتیاق به ارتباط داشتن با دیگری در این نوع

۱. سوره حجرات، آیه ۱۰

ارتباط مستتر است. در کتاب‌های علوم اجتماعی دوره‌های مختلف، هیچ ذکری از این اصل به میان نیامده است.

ج) اصل حفظ و ارتقای آزادی فردی: این اصل با نظر به هدف دوم (افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی) و مبناهای انسان‌شناختی چون آزادی و اراده و اختیار به دست می‌آید. از آنجائی که یکی از ویژگی‌های آدمی، وجود نیروی اراده و اختیار در انسان می‌باشد. بنابراین در محتوی درس علوم اجتماعی، موضوع حفظ و ارتقای آزادی آدمی به وضوح می‌باید در دو عرصه فردی و اجتماعی و به دو شکل سلبی و ایجابی مورد نظر قرارگیرد علاوه بر آثار فردی این اصل، جامعه نیز می‌تواند از آثار مفید چنین اصلی بهره‌مند گردد چرا که توجه به این امر، زمینه مناسب برای استفاده از آراء مختلف مردم و بهره بردن و شریک شدن در عقول مردم با مشورت خواستن از آن‌ها در تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی را فراهم می‌کند. وجه ایجابی آزادی، همراه با توصیف چگونگی آزادانه عمل کردن و مبانی مورد نیاز آن و وجه سلبی همراه با فراهم نمودن مقدمات لازم برای انجام فعالیت آزادانه می‌باشد. به نظر می‌آید مطالب بیان شده در بحث آزادی در کتاب تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان، (سال ۱۳۸۴، صص ۱۳۴ – ۱۳۳) صرفاً با توجه به موضوع آزادی بیان و آزادی عمل مطرح گردیده است.

د) اصل تبیین ضرورت عدالت اجتماعی: از آنجائی که عدالت یکی از وجوه اساسی زندگی پاک در جامعه است و قوام و بنیان اجتماع بر اساس آن بنیان گذارده می‌شود؛ یکی از اصولی که در هنگام تدوین محتوی کتاب‌های علوم اجتماعی به‌طور ویژه باید مورد نظر قرار گیرد، اصل عدالت می‌باشد؛ بنابراین محتوی کتاب‌های علوم اجتماعی باید به ترتیبی تنظیم گردد که موضوع عدالت و چگونگی نهادینه سازی آن در فرد و اجتماع به‌طور جدی مورد نظر قرار گیرد. در مجموع کتاب‌های علوم اجتماعی دوره‌های مختلف نظام آموزشی، توجه اساسی به این موضوع نشده است، فقط در ذیل بحث مزایا و نابرابری‌های اجتماعی فصل دوم کتاب جامعه‌شناسی ۱ سال دوم متوسطه ۱۳۸۵، ص ۴۶، اشاره‌ای اجمالی به موضوع بی‌عدالتی شده است.

ر) اصل شناخت علمی پدیده‌های اجتماعی: با نظر به هدف نخست (اندیشه ورزی و کسب بینش و دانش نسبت به پدیده‌های انسانی) و مبانی معرفت‌شناختی اکتشافی بودن علم، می‌توان

اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی متناظر با...

این اصل را استخراج نمود. بر این اساس باید محتوای آموزشی علوم اجتماعی، آشنائی دانش‌آموزان را با واقعیت‌های اجتماعی به صورت علمی و با تکیه بر شواهد فراهم آورد. بکارگیری روش‌های کمی و کیفی همراه با شواهد مربوط به هر یک، لازمه این گونه مواجهه با پدیده‌های اجتماعی است. فراهم آوردن چنین محتوایی، ذهن و ضمیر دانش‌آموزان را با روشمندی در بررسی‌های اجتماعی آشنا می‌سازد و آن‌ها را از پیروی خرافات و قواعد مشهور نادرست باز می‌دارد.

ز) اصل تعمیق اجتماعی شدن فرد: با نظر به هدف دوم (افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی) و مبنای انسان‌شناختی هویت جمعی آدمی، می‌توان این اصل را استنتاج نمود. بر این اساس، محتوای علوم اجتماعی باید چنان باشد که اجتماعی شدن دانش‌آموزان را به صورت مطلوب تعمیق کند. به عبارت دیگر، علوم اجتماعی باید به تربیت اجتماعی دانش‌آموزان منجر شود. با توجه به بینش‌هایی که در مورد جامعه مطرح شد، تربیت اجتماعی را نمی‌توان جریان انفعالی اجتماعی شدن فرد دانست. فرد به لحاظ ویژگی‌های بنیادین خویش مانند فطرت، کرامت و حریت، نباید به صورتی انفعالی متأثر از جامعه و وضعیت اجتماعی خویش باشد. در عین حال، وی علاوه بر برخوردار بودن از این ویژگی‌ها، عضوی از جامعه‌ای معین نیز هست که این عضویت، فرد را در دامنه و بستر وضعیت فرهنگی و اجتماعی خاصی قرار می‌دهد. بنابراین می‌توان گفت که آدمی در دو مدار فردی و اجتماعی در حرکت است که هیچ یک از دو مدار فردی و اجتماعی به آن دیگری فرو کاسته نمی‌گردد و هر یک دارای استقلال نسبی است. استقلال مدار فردی از مدار اجتماعی، مربوط به سرمایه‌های نوعی است که فرد در آفرینش از آن‌ها برخوردار شده است، اما این استقلال از آن جهت نسبی است که ظهور این سرمایه‌های نوعی در گرو قرار گرفتن در حیات اجتماعی و مدار اجتماعی است. از سوی دیگر، مدار اجتماعی نیز به شکل نسبی از مدار فردی مستقل است و این استقلال ناشی از شأن جمعی و مشارکت دیگران است که شکل دهنده مدار اجتماعی است. به عبارت دیگر، در عین حال که فرد نیز یکی از اعضای مدار اجتماعی است، چنین نیست که این مدار، قائم به او باشد. در واقع به سبب حضور و مشارکت دیگران در مدار اجتماعی، استقلال نسبی آن از فرد روشن می‌شود،

خواه این حضور و مشارکت در گذشته باشد که در سنت‌های اجتماعی آشکار می‌شود و خواه در حال که در عرصه فرهنگی و اجتماعی جلوه‌گر می‌شود (باقری، ۱۳۷۹، صص ۴۰۳-۴۰۶).

بنابراین چنین دیدگاهی از تربیت اجتماعی می‌باید در محتوی درس علوم اجتماعی مورد نظر قرار گیرد. البته باید دقت داشت که امر تربیت اجتماعی با توجه به چنین رویکردی متضمن توجه به اصول مورد نظر می‌باشد. از اساسی‌ترین این اصول می‌توان به اصل حفظ و ارتقای فردیت؛ اتکا بر سنت و فرهنگ و گزینش از آن و غلبه بر خودمحو‌های هستی‌شناختی، شناختی، عاطفی و ارتباطی اشاره نمود (همان).

با بررسی کتاب‌های تعلیمات اجتماعی در مقاطع تحصیلی، مشخص می‌گردد که آشنا ساختن دانش‌آموزان با وظایف اجتماعی خود به‌عنوان شهروندان جامعه، هدف اصلی کتاب‌های تعلیمات اجتماعی بوده است. (تعلیمات اجتماعی، سال دوم دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، ۱۳۸۵، مقدمه). بنابراین مطالب بیان شده در کتاب تعلیمات اجتماعی سال اول دوره‌ی راهنمای تحصیلی (صص ۱۱-۴) تحت "عنوان چه نیازهایی داریم" در دو محور نیازهای مادی و نیازهای غیرمادی، شامل نیاز به روابط دوستانه، همکاری با دیگران، شرکت در کارهای هنری (هر چند تعریف مزبور جامع و مانع نمی‌باشد) و مطالب بیان شده تحت عنوان شکل‌گیری گروه و موضوع اجتماعی بودن انسان در کتاب مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان (ص ۵)، می‌باید با توجه به اصل اجتماعی بودن آدمی مورد تاکید و تبیین واقع گردند و ضرورت آن برای فراگیران مشخص گردد. قاعدتاً فقط ذکر عنوان چنین نیازهایی آن هم در درس تعلیمات اجتماعی برای تحقق هدف جامعه پذیر کردن متریبان کفایت نخواهد کرد، همچنین باید در کنار طرح موضوع اجتماعی کردن آدمی، وظایف و نقش‌های مورد نیاز جهت پاسخ‌گویی به این نیاز به صورت منسجم و مرتبط نیز برای فراگیران بیان گردد. علاوه بر آن مناسب است که موضوع مطلق‌گرائی گروهی و بحث تبعیت بی‌چون و چرا در گروه (کتاب مطالعات اجتماعی، اول دبیرستان، ۱۳۸۵، ص ۲۰) از زاویه تضاد آن با مبانی فلسفی انسان‌شناسی در دین اسلام به صورت ساده و روان مورد نظر قرار گیرد.

م) اصل قانون‌گرایی: این اصل در ضمن اصل پیش‌قرار دارد اما از حیث اهمیتی که دارد، مناسب است چون اصل مستقلى مورد توجه قرار گیرد. با نظر به آنکه یکی از لوازم اصلی در امر

اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی متناظر با...

تربیت اجتماعی افراد و زندگی کردن با دیگران و برقراری ارتباط، وجود خصیصه قانون‌گرایی است، در محتوای درس علوم اجتماعی باید به‌طور خاص ضرورت دارا بودن این خصیصه، جایگاه آن، پیش‌زمینه‌های لازم برای کسب این ویژگی، راه‌های تقویت و رفع محدودیت‌ها و موانع بروز و ظهور آن مورد نظر قرار گیرد.

در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی سال‌های مختلف، موضوع قانون‌گرایی مورد نظر قرار گرفته است. با این حال، به نظر می‌رسد جای توجه بیشتر به این موضوع وجود دارد و می‌توان به آثار فردی و اجتماعی آن، پیش‌زمینه‌های لازم برای آن، راه‌های تقویت و رفع محدودیت‌ها و موانع بروز و ظهور آن پرداخت.

ن) اصل تبیین ضرورت و نحوه بهره‌گیری از آراء مختلف: چنان که در بحث از همبستگی گذشت، اختلاف در دامنه همبستگی، خود تحکیم‌کننده آن است. به علاوه، کسی که از آرای متفاوت با رأی خود اجتناب و به رأی خود بسنده کند، در معرض زوال خواهد بود، چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: «من استبد برأیه هلك»^۱ «هر که خود رأی باشد؛ هلاک شود». بنابراین، یکی از اصول مربوط به محتوای علوم اجتماعی این است که ضرورت و نقش آرای مختلف اجتماعی را در شکل‌دهی به همبستگی ژرف‌تر اجتماعی آشکار سازد.

و) اصل تعامل مؤثر فرد با واقعیت‌های اجتماعی: با نظر به هدف دوم (افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی) و مبنای معرفت‌شناختی ابداعی بودن علم، می‌توان به این اصل راه یافت. طبق این اصل، باید زمینه تعامل مؤثر فرد با واقعیت‌ها را فراهم آورد و در چنین تعاملی است که دانش اجتماعی به معنای عمیق کلمه در فرد تحقق می‌یابد. ابداعی بودن دانش اجتماعی با نقشی که فرد باید در تعامل با واقعیت‌های اجتماعی ایفا کند ملازم است. به عبارت دیگر، دانش اجتماعی، صرفاً جنبه اطلاع‌یابی ندارد بلکه مشارکت خلاقانه در روابط اجتماعی، خود به ظهور دانش اجتماعی در فرد منجر می‌شود.

بنابراین برای تحقق چنین اصلی می‌باید محتوای درس علوم اجتماعی به ترتیبی انتخاب و سازمان‌دهی گردد که تنها تکیه بر مطالب نوشتاری نداشته باشد و بعضاً امکان آن فراهم گردد که

برای تقویت توانمندی دانش‌آموزان جهت تبیین واقعیت‌های اجتماعی، مواجهه مستقیم آنان با واقعیت‌ها، چالش‌ها و حوادث اجتماعی صورت پذیرد. این‌گونه مواجهه عملی و رو در رو، علاوه بر آشنایی مستقیم دانش‌آموزان با واقعیت‌های اجتماعی، بستر مناسبی برای اندیشه ورزی، تأمل و به کارگیری قابلیت‌های خلاقانه آنان فراهم می‌آورد و آنان را با ضرورت بکارگیری روش‌های تحقیق و کسب مهارت‌های اجتماعی آشنا می‌سازد. بنابراین، یکی از اصولی که محتوای درس علوم اجتماعی باید تأمین کننده آن باشد، ناظر به مواجهه مستقیم و عاملانه و عامدانه دانش‌آموزان با واقعیت‌های اجتماعی است.

در کتاب تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان (۱۳۸۴، ص ۱۵۲) که موضوع تعاون مطرح گردیده است، برای آنکه دانش‌آموزان، به صورت عملی همکاری و کمک به یکدیگر را یاد بگیرند، می‌توان قسمتی از محتوای این درس را اختصاص داد به بسترسازی مناسب برای حضور دانش‌آموزان جهت حل مشکلی که در فضای مدرسه یا خارج از مدرسه رخ داده است. برای مثال، در خارج از مدرسه می‌توان امکان دیدار از مراکز بهزیستی، خانه سالمندان و مراکز خیریه و کمک‌رسانی را فراهم آورد و در داخل مدرسه نیز همکاری دانش‌آموزان در حفظ محیط بهداشتی، سلامت جسم و روان خویش و دیگران، فعالیت‌های فرهنگی و ... می‌تواند امکان‌پذیر باشد. تمرین عملی برای فهم مفهوم تعاون و آشناسازی با آثار و نتایج آن را فراهم آورد.

همچنین، در کتاب تعلیمات اجتماعی سال دوم دوره‌ی راهنمایی (۱۳۸۵، ص ۳۴) که موضوع پاکیزگی محیط زیست مطرح شده است، بهتر است در کنار مباحث توصیفی، بسترسازی مناسب جهت حضور دانش‌آموزان در طبیعت صورت پذیرد تا از نزدیک آثار آلودگی‌های زیست محیطی را که توسط افراد جامعه صورت گرفته ببینند و سپس مقدماتی فراهم گردد تا دانش‌آموزان با بیان نظرات خویش در راستای اصلاح و پاکسازی محیط به طور عملی تلاش نمایند و خود از نزدیک مشاهده‌گر آثار ساماندهی و بهبود آن باشند.

اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی متناظر با...

ه) اصل تبیین شکوه و زیبایی در روابط اجتماعی: این اصل با نظر به هدف نخست (اندیشه ورزی و کسب بینش و دانش نسبت به پدیده‌های انسانی) و نیز هدف «اعتلای دریافت زیباشناختی به‌ویژه در برقراری رابطه میان زیبایی و خیر» مطرح شده است. در تدوین محتوای درس علوم اجتماعی باید تلاش داشت که زیبایی‌هایی روابط اجتماعی تبیین شود. این امر نه تنها بینش و دانشی نسبت به پدیده‌های انسانی فراهم می‌آورد، بلکه دریافت زیباشناسانه دانش‌آموزان را نیز اعتلا می‌بخشد. برخی از روابط اجتماعی از شکوه و زیبایی ویژه‌ای برخوردارند که نمونه‌های آن را می‌توان در فداکاری‌های بزرگ و ایثارهای چشمگیر ملاحظه نمود. اگر چه افراد عادی چنین رفتارهایی را کمتر از خود آشکار می‌سازند، اما باید ذائقه زیباشناختی آنان از ملاحظه چنین جلوه‌هایی برخوردار باشد.

هر چند در کتاب تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان (۱۳۸۴، صص ۱۴۷-۱۵۷)، سخن از نشانه‌های جامعه اسلامی (شورا، تعاون، ایثار و فداکاری) به میان آمده است، اما سخن گفتن از این جلوه‌های باشکوه روابط اجتماعی، خود نیز باید به‌صورت باشکوه و در قالب دل‌انگیز هنری مطرح شود که بتواند زیبایی‌های مورد نظر را به افراد بنمایاند. در تدوین محتوی درس علوم اجتماعی باید به ذائقه زیباشناختی معلمان و به خصوص دانش‌آموزان توجه داشت. بنابراین باید تلاش گردد که از سبک‌های هنری موجود در زمینه خطاطی متن، طراحی متن، گرافیک متن و نظیر آن‌ها استفاده گردد تا زمینه مناسب و مطلوبی برای انگیزه توجه بیشتر به محتوی فراهم گردد.

اصول مربوط به آموزش

این دسته از اصول را می‌توان در دو شاخه اصول مربوط به معرفت‌شناسی و اصول مربوط به اخلاق آموزش (ارزش‌شناسی) بیان کرد. این از آن رو است که در آموزش، رابطه معلم و شاگرد، عنصر اخلاق را چون عنصر مهمی از امر آموزش به میان می‌آورد. بنابراین، به ترتیب، به توضیح این دو دسته از اصول خواهیم پرداخت.

اصول مربوط به معرفت‌شناسی تدریس

با نظر به اصول معرفت‌شناختی، اعم از آنچه ناظر به معلوم یا ناظر به عالم است، اصولی در آموزش علوم اجتماعی قابل ذکر است.

الف) اصل مشارکت اجتماعی: با نظر به هدف دوم (افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی) و تصویر عاملیت از انسان به طور کلی و مبنای معرفت شناختی ابداعی بودن شناخت، به طور خاص، می توان این اصل را استنتاج کرد. بر اساس این اصل، آموزش باید ملازم با مشارکت دانش آموزان باشد. معلم در هنگام ارائه محتوی درس علوم اجتماعی باید با توجه به اصل مشارکت اجتماعی برای تحکیم هویت جمعی افراد تلاش نماید. لازمه دستیابی به چنین هدفی، تقویت مهارت های اجتماعی و ارتباطی دانش آموزان می باشد. بنابراین روش ارائه محتوی درس علوم اجتماعی باید به ترتیبی باشد که به کارگیری این مهارت ها در فعالیت های داخل کلاس و یا فعالیت های خارج از کلاس را به دنبال داشته باشد.

ب) اصل تبیین حقایق ارزش ها به جای تلقین آن ها: با نظر به هدف ۱ (اندیشه ورزی و کسب بینش و دانش نسبت به پدیده های انسانی) و مبنای معرفت شناختی مطابقت علم با واقع، می توان این اصل را استنتاج نمود. طبق این اصل، معلم باید به هنگام بحث از ارزش های اجتماعی و فرهنگی، از تلقین ارزش ها خودداری کند و در پی آن باشد که زیرساخت حقیقی آن ها را تبیین کند. هر چند ارزش ها جنبه اعتباری دارند، اما وجه اعتبار آن ها مستلزم توجه به واقعیت های انسانی و اجتماعی است. این نکته هم در مورد حقایق اجتماعی در سطح ملی و هم در سطح بین المللی صادق است. در بیان ارزش های اجتماعی ملی از تلقین ایجابی و در بیان ارزش های سایر جوامع از تلقین سلبی باید خودداری کرد.

ج) اصل اقتناع نیازهای اساسی: با نظر به هدف ۲ (افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی) و مبنای معرفت شناختی تناظر علم با نیازهای آدمی این اصل قابل استنتاج است. با توجه به این اصل، معلم باید نظر به اقتناع نیازهای اساسی دانش آموزان داشته باشد. نشانه بکارگیری این اصل، برانگیختگی دانش آموزان است زیرا هنگامی که نیاز فرد، مخاطب قرار می گیرد، انگیزه برمی خیزد و در نهایت، خرسندی به ظهور خواهد رسید. به طور مثال، در کتاب علوم اجتماعی دوره پیش دانشگاهی ۱۳۸۴ در ذیل مباحث رسانه های جمعی (ص ۱۱۱)، شکل گیری روابط فرهنگی فراملی (ص ۱۱۵)، اینترنت (ص ۱۱۶) و امکانات ماهواره ای (ص ۱۲۰)، توضیحاتی (بیشتر با جهت گیری منفی) ارائه گردیده است. به نظر می آید از آنجائی

اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی متناظر با...

که موضوعات مطرح شده از چالش‌های اساسی جامعه می‌باشند که افراد تا حد زیادی درگیر این مسائل می‌باشند اما هنوز چگونگی بهره‌مندی مطلوب از این فن‌آوری‌ها برای مردم به خصوص نسل جوان تبیین نگردیده است. معلم باید فضائی را در کلاس فراهم آورد تا دانش‌آموزان آزادانه بتوانند اندیشه‌ها و نیازهای خود را بیان دارند و ابعاد مختلف بحث (اعم از مثبت و منفی) منصفانه مطرح گردد و سپس چگونگی استفاده مناسب بیان گردد.

البته معلم باید به دنبال آن باشد که در ضمن انجام چنین عملی، دانش‌آموزان را با قواعد و اصول نقدکردن و نقد پذیری به طور کاربردی آشنا سازد. بعضی از موضوعات مطرح شده در مجموع کتاب‌های علوم اجتماعی دوره‌های مختلف، بهتر است که همراه با جلسات نقد و بررسی مطرح گردد تا هم جاذبیت بیشتری برای دانش‌آموزان داشته باشد و هم آمادگی آنان در توجه به مطلب و فهم آن بیشتر گردد. برای نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

آسیب‌های گروه ص ۱۷؛ آسیب‌های نظام خانواده ص ۶۰؛ از کتاب مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان (۱۳۸۵). تغییر هویت ص ۱۰۱ از کتاب جامعه‌شناسی ۱ سال دوم متوسطه (۱۳۸۵). تهاجم فرهنگی ص ۱۰۶ از کتاب علوم اجتماعی دوره پیش‌دانشگاهی (۱۳۸۴).

د) اصل انتقاد و انتقادپذیری: با نظر به هدف ۲ (افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی) و مبنای معرفت‌شناختی پویایی علم، این اصل را می‌توان استنتاج کرد. طبق این اصل، باید رویکرد انتقادی در کلاس جریان داشته باشد و هم از سوی معلم و هم از سوی دانش‌آموزان آشکار گردد. از این حیث، ممکن است لازم باشد گاه معلم محتوای کتاب را همراه با نقد و سنجش مطرح کند و با توجه به توزین دقیقی که به عمل می‌آورد، واقعیت‌های اجتماعی را بیان کند. در واقع، معلم با عملکرد خویش در هنگام ارائه محتوی می‌تواند به خوبی این اصل را در بین دانش‌آموزان نهادینه سازد. یعنی خود الگو و اسوه خوبی برای متریبان در این جهت باشد، به ترتیبی که آمادگی پذیرش انتقادات وارد شده به خویش را از سوی دانش‌آموزان داشته باشد و در صورت وجود ضعف علمی و یا عملی در کیفیت تدریس خویش، با پذیرش صادقانه ایراد وارد شده از سوی دانش‌آموزان و یا همکاران، در صدد اصلاح عملکرد خود برآید.

اصول مربوط به اخلاق تدریس

این دسته از اصول، ناظر به بعد اخلاقی آموزش است که با تکیه بر مبانی انسان شناختی و ارزش شناختی مطرح می‌شود.

الف) اصل تکریم: با نظر به هدف ۲ (افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی) و مبانی انسان شناختی کرامت آدمی می‌توان به استنتاج این اصل پرداخت. طبق این اصل، معلم به هنگام تدریس درس علوم اجتماعی باید توجه خاصی به تکریم دانش‌آموزان داشته باشد. این امر، هم به طور نظری مطرح است که طی آن معلم دانش‌آموزان را از منزلت خودشان آگاه می‌کند و هم خود به طور عملی به رعایت منزلت انسانی آنان می‌پردازد.

پیامد چنین اقداماتی آن خواهد بود که: ۱- زمینه اعتماد به نفس و عزت‌نفس در دانش‌آموزان تحکیم و تقویت گردد. ۲- متربیان بیاموزند که شخصیت فرد را از رفتارهایش جدا کنند و در صورتی که فردی دچار خطائی گردد، انتقادات می‌باید متوجه رفتار فرد باشد، نه متوجه خود فرد. ۳- توجه به کرامت انسانی، زمینه را برای پرورش انسان‌های کریم در سطح جامعه و در روابط اجتماعی فراهم خواهد ساخت. بنابراین توجه به این اصل، بستر مناسبی را نیز برای امر تربیت اجتماعی فراگیران مهیا می‌سازد.

ب) اصل آزادمنشی: این اصل را می‌توان از هدف ۲ (افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماع) و مبانی انسان شناختی آزادی استنتاج نمود. معلم در فضای کلاس و در فعالیت‌های خارج از کلاس باید این اصل را در رویارویی با دانش‌آموزان، مصدر کار خویش قرار دهد و بستر مناسب را برای آزادی اندیشه، آزادی بیان و آزادی عمل فراهم آورد. رعایت این اصل می‌تواند پیامدهای ذیل را به دنبال داشته باشد:

- زمینه‌ای فراهم آورد که فراگیران توانمندی‌های بالقوه خویش و طبیعت خود را آشکار سازند و معلم بهتر بتواند شاگرد خود را بشناسد و موجبات رشد بیشتر او را فراهم سازد.
- زمینه‌ای برای ایفای نقش مؤثر و فعال متربیان در جریان یادگیری مهیا خواهد شد.
- احساس آزادی در دانش‌آموزان، در سلامت و تقویت روحیه و اعتماد به نفس و فردیت و استقلال آنان مؤثر خواهد بود.

اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی متناظر با...

البته باید تصویر نادرست از آزادی در ارتباط معلم و شاگردان تصحیح شود. این تصویر، آزادی را تنها به صورت سلبی در نظر می‌آورد که نفی موانع را در صدر قرار می‌دهد. اما آزادی شکل ایجابی نیز دارد که مستلزم عاقلانه قضاوت کردن و تسلط بر تمایلات خود و آن‌ها را با توجه به نتایج داوری عقلانی سنجیدن است. آزادی در دو شکل سلبی و ایجابی آن در دو گستره اخلاقی و اجتماعی مورد نظر می‌باشد (باقری، ۱۳۸۰، ص ۲۱۸).

ج) اصل عدل: این اصل با نظر به هدف ۲ (افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی) و مبنای ارزش شناختی عدل قابل استنتاج است. یکی از اصولی که معلم در هنگام تدریس درس علوم اجتماعی می‌باید به آن توجه داشته باشد توجه به رعایت اصل عدالت ورزی در فعالیت‌های آموزشی و کمک‌آموزشی می‌باشد. این اصل، اشاره به آن دارد که باید معلم در هنگام تدریس درس علوم اجتماعی، حق و حقوق دانش‌آموزان را مورد نظر قرار دهد، البته باید توجه داشت، حق دانش‌آموزان مختلف، می‌تواند یکسان و برابر یا متفاوت و نابرابر باشد. در مواردی که حق افراد، یکسان و برابر است، عدالت به معنای برقراری برابری فرصت میان افراد است یعنی عدالت تنها مستلزم برابری فرصت‌های اجتماعی برای دسترسی به مزایای شغلی، تحصیلی و نظیر آن است؛ اما هنگامی حق دانش‌آموزان می‌تواند متفاوت و نابرابر باشد که این نابرابری حاکی از ظلم نباشد بلکه با عدالت قابل جمع باشد، منظور از این نابرابری آن است که هر کس متناسب با حق خود برخوردار گردد. پس معیار حق مطرح است اما حق افراد، یکسان نیست بلکه متفاوت است. دسترنج متفاوت در نتیجه تلاش و کوشش متفاوت لازمه عدالت است.

د) اصل فضل: با نظر به هدف ۲ (افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی) و مبنای ارزش شناختی رأفت/احسان قابل استنتاج است. در واقع اصل فضل، مکمل اصل قبلی یعنی عدالت ورزی است؛ چرا که همان‌گونه که بدون عدالت، جامعه انسانی تداوم نخواهد داشت، بدون توجه به اصل فضل نیز جامعه انسانی سامان نمی‌یابد. البته باید دقت داشت که توجه به این اصل، تعارضی با اصل عدالت ورزی ایجاد نکند. باید در کلاس درس، معلم بر اساس اصل فضل، فعالیت‌ها و تلاش‌های دانش‌آموزان را مورد نظر قرار دهد. در این صورت معلم با نظر به اصل تکریم از یک‌سو باید نسبت به دانش‌آموزان مهر و عطوفت نشان دهد و از سوی دیگر با نظر به اصل ضعف، باید متوجه نیازها و کم‌داشت‌های آنان باشد. بنابراین همان‌طور که یکی از

ویژگی های خداوند، سریع الرضا بودن او است، معلم نیز در مقام تکلیف و انجام وظایف دانش آموزان، باید از خطاهای آنان بگذرد و یا بعضی از خطاهای آنان را نادیده بگیرد و همچنین در برخورد با دانش آموزان مختلف با توجه به شناختی که نسبت به آنان دارد، بعضاً عکس العمل یکسان در برابر خطاهای آنان نشان ندهد. در واقع معلم با اعمال این رویه به نوعی به امر تسامح و چشم پوشی در خطاهای صورت گرفته از سوی دانش آموزان می پردازد که همین امر موجب آن خواهد شد تا دانش آموزان با الگوگیری و تأثیرپذیری صحیح از معلم، در مراحل بعدی که وارد عرصه فعالیت های اجتماعی در جامعه می شوند، تلاش نمایند در ارتباطات اجتماعی و در هنگام تصدی مسؤولیت های اجتماعی، با دیگران نیز بر اساس عطف و احسان برخورد نمایند و این امر، زمینه مناسبی را در روابط اجتماعی برای کاهش تنش ها و کشمکش ها و برقراری روابط حسنه در سطح ملی و بین المللی فراهم می آورد. مریبان باید توجه نمایند از دادن تکالیفی که هم از نظر کمی در حد وسع دانش آموزان نیست و هم انجام آن باعث ایجاد دردسر و زحمت متریبان و والدین آنها می گردد، خودداری کنند.

ه) اصل توجه به آراستگی ظاهر: با نظر به هدف ۲ (افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی) و مبنای انسان شناختی جذبه زیبایی، می توان به این اصل راه یافت. طبق این اصل، بخشی از اخلاق معلمی، ناظر به آراستگی ظاهری معلم است. آراستگی ظاهر، هنگامی به امر اخلاقی بدل می شود که حاکی از حرمت نهادن به حضور فرد دیگر باشد. معلم با حضور در کلاس، وارد عرصه های اخلاقی می شود و از جمله، ظاهر وی می تواند حاکی از حرمت گذاری به افراد کلاس یا بی حرمتی نسبت به آنها باشد. بکارگیری این اصل، هم باعث برقراری ارتباط عاطفی بیشتر با دانش آموزان می گردد و هم انگیزه و رغبت بیشتری را جهت توجه به محتوی در آنان فراهم می آورد. از سوی دیگر، از آن جا که دانش آموزان در سال های آتی قرار است به عنوان شهروند در جامعه به ایفای نقش بپردازند، با الگوگیری صحیح از معلم، می توانند با رعایت ظاهر زیبا، زیست مناسبی در اجتماع داشته باشند.

اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی متناظر با...

ی) اصل همدلی: این اصل با نظر به هدف ۲ (افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی) و مبنای ارزش شناختی رأفت/احسان قابل استنتاج است. یکی از ویژگی‌های اخلاقی که معلم باید دارا باشد آن است که نباید از مشکلات دانش‌آموزان بی‌خبر باشد و یا نسبت به مسائل آنان بی‌تفاوت باشد. در واقع معلم باید همچون یک دوست مهربان، همراه دانش‌آموزان خویش باشد و در جهت رفع نیازمندی‌ها و تنگناهای آنان بکوشد. با این اقدام، معلم زمینه مناسبی را فراهم می‌آورد تا دانش‌آموزان در آینده همین نوع نگاه را نسبت به افراد جامعه داشته باشند و بدین ترتیب زمینه‌های تعاون و نیکوکاری در اجتماع گسترش یابد. در چنین وضعیتی خواهد بود که زمینه‌های نهادینه‌سازی این اصل در دانش‌آموزان تقویت می‌گردد و به‌طور عملی خواهند آموخت که چگونه در ارتباطات اجتماعی، همدلانه به دیگران یاری رسانند.

اصول مربوط به یادگیری

در مورد یادگیری علوم اجتماعی، اصول زیر قابل ذکر است:

الف) اصل ارتباط فعال: با نظر به هدف ۱ (اندیشه ورزی و کسب بینش و دانش نسبت به پدیده‌های انسانی) و عاملیت آدمی به‌طور کلی و مبنای ابداعی بودن علم، به‌طور خاص، می‌توان به این اصل راه یافت. عاملیت انسان در امور اجتماعی به معنای آن است که فرد خود ناظر و بازیگر صحنه باشد تا بتواند واقعیت مسائل اجتماعی را درک کند. تحقق عاملیت انسان مستلزم توجه به اصل ارتباط فعال متربی است. توجه به این اصل باید هم در قالب فردی و هم در قالب فعالیت‌های گروهی و مشارکتی مورد نظر قرار گیرد تا ماحصل تلاش‌های انجام گرفته بتواند موجب فهم واقعیت‌های اجتماعی و ارائه راهکار جهت حل مسائل اجتماعی گردد. برای تحقق اصل فعالیت باید دانش‌آموزان را درگیر محتوی و مسائل مطرح شده در راستای درس علوم اجتماعی نمود. این درگیری می‌تواند به تریبی باشد که دانش‌آموز خود نسبت به موضوعات مورد بحث در درس علوم اجتماعی ایده پردازی کند. بنابراین می‌توان قسمت‌هایی از محتوی کتاب درس علوم اجتماعی را طوری طراحی نمود که تکمیل بحث یا پاسخ به سؤالات مطرح شده یا بسط و تفصیل موضوعات، نیازمند درگیری عملی متربیان با متن و ارائه دیدگاه‌های نظری آنان باشد و یا آنکه در جهت حل مسائل و مشکلات اجتماعی به‌طور عملی دانش‌آموزان

را با واقعیت‌های اجتماعی رو در رو ساخته و شرایط مساعد را برای اقدام عملی آنان در جهت اصلاح و بهبود شرایط فراهم آورد.

ب) اصل سودمندی: با نظر به هدف ۲ (افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی) و مبنای تناظر علم با نیازهای آدمی، این اصل قابل استنتاج است. طبق این اصل، یادگیری باید معطوف به علم سودمند باشد و فرد ارضای نیازهای خود را در جریان یادگیری ملاحظه کند. در مجموع توجه به اصل سودمندی، منجر به تقویت مشارکت اجتماعی مؤثر در دانش‌آموزان خواهد گردید که یکی از اهداف اساسی مورد تأیید در درس علوم اجتماعی است.

ج) اصل فرضیه پروری: با نظر به هدف ۱ (اندیشه ورزی و کسب بینش و دانش نسبت به پدیده‌های انسانی) و مبنای ابداعی بودن علم، می‌توان به این اصل راه یافت. با توجه به این اصل، یادگیری در علوم اجتماعی باید با فرضیه پردازی دانش‌آموز همراه باشد. یعنی متریبان باید در مقابل سؤالات و مسائل و واقعیت‌های پیچیده اجتماعی قرار بگیرند. سپس با توجه به منظومه معرفت‌شناسی خویش، به تدوین فرضیه و ارائه راه‌حل‌های اولیه جهت حل مسائل بپردازند و بدین ترتیب از همان دوران تحصیل، توانمندی نظری و عملی خویش را در برخورد با مسائل قوت بخشند و قدرت اندیشیدن و تفکر و عقل ورزی خویش را تقویت نمایند. بنابراین باید زمینه‌های مساعدی چه در قالب محتوی درس علوم اجتماعی و چه در قالب فعالیت‌های داخل و خارج از کلاس و فوق برنامه، فراهم گردد تا دانش‌آموزان به ابداع و خلاقیت و نوآوری و طرح ایده‌های جدید در راستای مسائل اجتماعی بپردازند.

د) اخلاق پژوهش: با نظر به هدف ۲ (افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی) و مبنای عدالت می‌توان به این اصل راه یافت. بر اساس این اصل، یادگیری باید با التزام به اخلاق پژوهش صورت پذیرد. امروزه به دلیل در دسترس بودن اطلاعات گسترده، یادگیرنده در معرض نقض اخلاق پژوهشی است. رعایت اصول امانت‌داری در استفاده از آثار دیگران و تأکید و توجه به نقل قول‌های مستقیم و غیرمستقیم از صاحبان آثار دیگر، اموری است که اخلاق پژوهش را استقرار خواهد بخشید. ویژگی‌های اخلاق پژوهشی باید به صورت خصیصه‌هایی ثابت در یادگیرندگان شکل بگیرد و به تعبیر قدما، به صورت ملک‌های نفسانی در آن‌ها استقرار یابد.

اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی متناظر با...

زشتی و رذیلت سرقت ادبی باید در فضای یادگیری به قدر کافی روشن و مشخص گردد تا یادگیرنده فاصله خود را از آن همواره حفظ کند.

و) **اصل یادگیری گروهی:** با نظر به هدف ۱ (اندیشه ورزی و کسب دانش و بینش در مورد پدیده‌های انسانی) و مبنای انسان شناختی ضعف می‌توان به این اصل راه یافت. بر اساس این اصل، به سبب ضعف آدمی و سوگیری‌هایی که وی را از دست یافتن به دانش اجتماعی مناسب و جامع باز می‌دارد، یادگیری گروهی طریقه‌ای را فراهم می‌آورد که افراد مختلف بتوانند در ارتباط و گفتگو با یکدیگر، هر یک به سوگیری‌های خاص خود واقف گردد و از این طریق، دانش اجتماعی خود را بسط دهد. تحقق این اصل موجب فهم بهتر مسائل اجتماعی، پاسخگوئی بهتر به مشکلات اجتماعی و تحکیم و تثبیت ارتباطات اجتماعی می‌گردد. به نظر می‌آید، تربیت عاطفی دانش آموزان، خود یکی از ره‌آورد‌های این اصل خواهد بود.

ه) **اصل نقد و ارزیابی سنت اجتماعی:** با نظر به هدف ۲ (افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی) و مبنای پویایی علم می‌توان به استنتاج این اصل پرداخت. طبق این اصل، یادگیری در علوم اجتماعی، مستلزم رویارویی انتقادی با سنت‌های اجتماعی است. دانش‌آموز نه تنها نباید در این درس از انتقاد ترسانده شود، بلکه باید راه خود را برای این امر هموار ببیند. تنها چیزی که باید پروای آن را داشت، انتقاد بدون پشتوانه و فاقد شواهد کافی است. انتقاد‌های مخرب نیز به طور غالب، تعصب‌آمیز و فاقد شواهد کافی است. پویایی دانش اجتماعی در گرو بروز این خصیصه انتقادی نسبت به سنت‌های به ارث رسیده است. نقادی به‌طور طبیعی مستلزم انتقاد پذیری نیز است و یادگیرندگان باید تحمل نظرات دیگران را در مورد ایده‌ها و عملکردهای خویش داشته باشند. در این صورت است که امکان اصلاح ضعف‌ها و معایب فراهم خواهد گشت و ارتباطات سالم اجتماعی گسترش خواهد یافت. بنابراین در درس علوم اجتماعی به‌طور خاص باید تأکید خاصی بر این اصل گردد تا بسترهای مناسب در راستای زینده شدن یادگیرندگان به خصیصه نقدپذیری فراهم گردد. البته محقق شدن این اصل به نحو مطلوب از سوی دانش آموزان، نیازمند آگاهی از مقدمات و توانمندی‌ها و خصیصه‌های لازم برای انجام چنین امری مانند خوب شنیدن، خوب قضاوت کردن، تخصص در موضوع، صبور بودن، سعه‌صدر داشتن، عدم تعصب ورزی و سوگیری نداشتن می‌باشد.

ی) اصل احساس مسؤولیت اجتماعی: با نظر به هدف ۲ (افزایش قابلیت مشارکت و مداخله مؤثر اجتماعی) و مبنای انسان شناختی اراده و اختیار، می توان به این اصل راه یافت. طبق این اصل، یادگیری در علوم اجتماعی، تنها یک امر اطلاعات یابی نسبت به امور اجتماعی نیست بلکه هنگامی یادگیری به واقع رخ می دهد که احساس مسؤولیت اجتماعی در فرد تحقق یابد. این اصل در درس علوم اجتماعی جهت تحقق هدف افزایش قابلیت مشارکت مؤثر اجتماعی از دو سو ضرورت می یابد. از یک طرف با توجه به مبنای اراده و اختیار در آدمی، انسان باید غایت هایی را که به سوی آن ها حرکت می کند، به اراده خود انتخاب نماید و نسبت به انتخاب خود پاسخگو باشد. از سوی دیگر، ایفای مؤثر نقش اجتماعی فرد در گرو آن است که به این احساس مسؤولیت مسلح گردد. بنابراین باید با نظر به اصل مسؤولیت پذیری، برای کیفیت بخشی به حیات فردی و اجتماعی یادگیرندگان، خصیصه مسؤولیت پذیری در آنان نهادینه شود تا هم نسبت به انجام تکالیفی که در درس علوم اجتماعی برای آنان در نظر گرفته می شود، در قبال معلم و متولیان مدرسه احساس مسؤولیت نمایند و هم در ارتباطات اجتماعی خود با همکلاسی ها، اولیای مدرسه، اولیای خانه و هم وطنان در داخل کشور و هم نوعان در سراسر جهان و هم در انجام تعهدات خویش نسبت به محیط اجتماعی و محیط زیست خویش احساس مسؤولیت نمایند.

اصول مربوط به ارزشیابی

با توجه به اهداف واسطی درس علوم اجتماعی و با نظر به اصول مربوط به محتوا، آموزش و یادگیری، می توان به ارزشیابی در این درس پرداخت. به عبارت دیگر، اگر ارزشیابی معطوف به محتوای برنامه درسی باشد، باید به کمک اصولی که در مورد آن مطرح شد، به ارزشیابی پرداخت. این اصول عبارت بودند از:

- حفظ و ارتقای کرامت آدمی
- تبیین همبستگی اجتماعی
- حفظ و ارتقای آزادی فردی
- تبیین ضرورت عدالت اجتماعی
- شناخت علمی پدیده های اجتماعی

اهداف برنامه درسی مطالعات اجتماعی متناظر با...

- تعمیق اجتماعی شدن فرد
 - قانون گرایی
 - تبیین ضرورت و نحوه بهره‌گیری از آراء مختلف
 - تعامل مؤثر فرد با واقعیت‌های اجتماعی
 - تبیین شکوه و زیبایی در روابط اجتماعی
- اگر ارزشیابی، معطوف به آموزش و کار معلم باشد، باید به کمک اصولی که در خصوص آموزش و روش‌های آن مطرح شد، به ارزشیابی روی آورد. این اصول که خود مشتمل بر بعد معرفت‌شناختی و اخلاقی آموزش است، به شرح زیر بود:

الف) معرفت‌شناسی آموزش

- مشارکت اجتماعی، تبیین حقایق ارزش‌ها به‌جای تلقین آن‌ها، اقباع نیازهای اساسی، انتقاد و انتقادپذیری

ب) اخلاق آموزش

- تکریم، آزاد منشی، عدل، فضل، توجه به آراستگی ظاهر، همدلی
 - سرانجام، اگر ارزشیابی، معطوف به دانش‌آموز باشد، باید به کمک اصولی که برای یادگیری مطرح شد، به این کار مبادرت ورزید. این اصول عبارت بودند از:
 - ارتباط فعال، سودمندی، فرضیه‌پروری، اخلاق پژوهش، یادگیری گروهی، نقد و ارزیابی سنت اجتماعی، احساس مسئولیت اجتماعی
- هر دسته از این اصول، همچون معیارهایی هستند که به کمک آن‌ها می‌توان به ارزشیابی در قلمرو مورد نظر پرداخت.

نتیجه‌گیری

این مقاله بر آن بود با نظر به مبانی فلسفی سازگار با آموزه‌های دینی اسلام و با نظر به رویکرد اساسی سنت‌گرایی تحولی و واقع‌گرایی سازه‌گرایانه به طرح اهداف مرتبط با برنامه درسی مطالعات اجتماعی بپردازد. سپس متناظر با اهداف مطرح گردیده؛ به تبیین اصول مربوط به محتوی، آموزش، اخلاق تدریس، یادگیری و ارزشیابی در برنامه درسی علوم اجتماعی با توجه به ارزشیابی

وضعیت کتاب‌های درسی علوم اجتماعی مورد استفاده در نظام برنامه درسی کشور در سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ پردازد. پیشنهاد می‌گردد سیاستگذاران در عرصه برنامه درسی کشور با بهره‌گیری از دستاوردهای حاصل از این نوشتار، بازنگری و اصلاحات لازم را در متون کتاب‌های علوم

منابع

- باقری، خسرو، ۱۳۷۹، اصول تربیت اجتماعی در اندیشه امام علی (ع)، مقالات برگزیده همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (ع)، نشر تربیت اسلامی
- باقری، خسرو، ۱۳۸۰، پژوهشی برای دستیابی به فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- تعلیمات اجتماعی چهارم دبستان، ۱۳۸۴، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران
- تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان، ۱۳۸۴، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران
- تعلیمات اجتماعی سال اول دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، ۱۳۸۵، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران
- تعلیمات اجتماعی سال دوم دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، ۱۳۸۵، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران
- تعلیمات اجتماعی سال سوم دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، ۱۳۸۵، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران
- جامعه‌شناسی ۱ سال دوم آموزش متوسطه، ۱۳۸۵، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران
- جامعه‌شناسی ۲ سال سوم آموزش متوسطه، ۱۳۸۵، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران
- علوم اجتماعی دوره پیش‌دانشگاهی، ۱۳۸۴، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران
- قرآن کریم
- نهج البلاغه